

دنیا را نجات‌نده حرف‌سیاهان را بزن

کیناوس زیاری ^{در شرایطی که اغلب اوقات روسای‌جمهور آمریکا به‌شدت گروه فرهنگ و هنر}

درگیر مسائل و مشکلات داخلی کشور خود هستند و برای حل آنها وقت نمی‌گذارند، هالیوود دست به تولید فیلم‌هایی می‌زند که این رؤسای‌جمهور را در حال نبرد برای نجات جهان نشان می‌دهد!

«گروه ۲۰» تازه‌ترین فیلم در این ژانر کم‌طرفدار است که با بازی ویولا دیویس در نقش اولین زن رئیس‌جمهور آمریکا که دست بر قضا سیاهپوست هم هست، به‌زودی جلوی دوربین می‌رود.

همان‌طور که از نام این اکشن دل‌پره‌آور مشخص است، داستان فیلم در ارتباط با گردهمایی‌های سران هفت کشور صنعتی جهان در مراسم سالانه گروه موسوم به ۲۰ است. با آن‌که کلید فیلمبرداری گروه ۲۰ هنوز زده نشده، عموم منتقدان سینمایی که بیشتر دوستدار درام‌های مستقل و غیرمتعارف اجتماعی هستند، از این فیلم به‌عنوان کاری سطحی و نازل اسم می‌برند و این پریسش را مطرح و تکرار می‌کنند که ساخت و تولید چنین فیلم‌های تبلیغاتی صریح برای رؤسای‌جمهور آمریکا چه ضرورتی دارد.



در داستان گروه ۲۰، دیویس در نقش خانم تیلور ساتن، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، راهی یکی از کشورهای اروپایی می‌شود تا در نشست‌گروه ۲۰ در کنار رهبران بقیه کشورهای صنعتی دنیا شرکت کند. زمانی‌که تروریست‌ها به مرکز تجمع این افراد حمله می‌کنند، نوبت خانم رئیس‌جمهور است که یک‌تنه نه تنها از جان اعضای خانواده و رهبران مرد بقیه کشورهای صنعتی (که ظاهراً توانایی دفاع از خود را ندارند و انجام این وظیفه را باید به‌عهده یک خانم آمریکایی بپردازند) دفاع کند، بلکه مانع از نابودی کل جهان توسط این تروریست‌ها شود!

فیلمنامه گروه ۲۰ البته این‌که نشان را توضیح نمی‌دهد که خانم رئیس‌جمهور که باید در عالم سیاست و سخنوری تخصص داشته باشد، هنرهای اکشن سطح بالای خود در مبارزه با تروریست‌ها را از کجا آورده و کسب کرده‌است.

نشریه واریتی‌که خبر تولید گروه ۲۰ را منتشر کرده، به شباهت‌های داستان فیلم با کارهای اکشنی چون «هواپیمای رئیس‌جمهور» و «المپیا سقوط کرده است» اشاره کرده و عقیده دارد این فیلم، هیچ حرف تازه‌ای برای گفتن ندارد.

خبرنگاران و منتقدان چند نشریه سینمایی هم با طعنه به این موضوع پرداخته‌اند که شاید بهتر باشد ویولا دیویس

در نقش خانم رئیس‌جمهور به جای این‌که برای نجات دنیا از نابودی تلاش و مبارزه کند، کمی نزدیک‌تر را نگاه کرده و به دفاع از سیاهانی بپردازد که روزانه برای کسب حقوق اجتماعی و مدنی‌شان توسط پلیس آمریکا مورد سرکوب و تعرض قرار می‌گیرند.

آنها همچنین با اشاره به‌حضور بازیگر در «زن سلطان» که به‌تاژی اکران عمومی شده و دیویس در آن نقش یکی از جنگاوران قاره آفریقا را بازی می‌کند که رهبری ارتشی از زنان آزادیخواه را در مبارزه با برده‌داری و امپریالیسم به‌عهده دارد، از دوتگانگی رفتاری او در رابطه با انتخاب نقش‌هایش صحبت می‌کنند.

«کریشنا» ستاره سینمای تالیوود (سینمای فیلم‌های هندی به زبان تلوگو) در ۷۹ سالگی و به دلیل مشکلات شدید قلبی درگذشت. او علاوه بر فعالیت حرفه‌ای خود به‌عنوان بازیگر، کارگردانی و تهیه‌کنندگی در طول پنج دهه در ۳۵۰ فیلم، به‌عنوان پدر ستاره فعلی سینمای هند «ماهش بابو» نیز شناخته می‌شود.

کریشنا که سال ۱۹۴۳ با نام «گاتامانی سیواراما کریشنا مورتی»

درگذشت یک ستاره سینمای تالیوود

به دنیا آمد. او فعالیت در صنعت فیلم را در سال ۱۹۶۱ آغاز و چهار سال بعد اولین نقش اصلی خود را در سینما ایفا کرد. وی در طول سال‌ها فعالیت هنری خود با کارگردانان بزرگ هندی از جمله آدورتی سوپارای، مادوسودان راتو، ویسوانات، بابو، داساری نارایانا راتو و کی راگاوندرا راتو همکاری کرد. از شناخته‌شده‌ترین نقش‌های او نیز می‌توان به نقش «آلوری سیتاراما راجو» مبارز آزادی در فیلم «آندرا پرادش» اشاره کرد.



یکی از اتفاقاتی که در سینما و تلویزیون ما برای بیشتر بازیگران رخ می‌دهد، این است که در هر نقشی است به‌اصطلاح جا بیفتند و مورد توجه قرار بگیرند، ماندگار می‌شوند و دیگر کمتر پیشنهاد بازی در نقش‌های دیگر به آنها داده می‌شود. به‌خصوص بازیگران کم‌دی که وقتی در این قالب خوب می‌درخشند، کمتر کارگردانی ریسک می‌کنند و بازی در یک کار جدی و متفاوت را به آنها می‌دهد.

رضا داوودنژاد جزو چنین بازیگرانی است که سال‌ها او را در سینما و تلویزیون در نقش‌های کم‌دی دیده‌ایم.

در صورتی‌که مرتضی‌علی‌عباس میرزایی این ریسک را پذیرفت و یک نقش نسبتا جدی را در فیلم «بیرو» به او سپرد. «بیرو» روایتی از زندگی علیرضا بیرانوند، دروازه‌بان تیم ملی فوتبال ایران از دوران کودکی تا ورود به فوتبال حرفه‌ای و عضویت در تیم ملی فوتبال ایران است که در چهلمین جشنواره فیلم فجر اکران و با نظرات مختلفی از سوی مخاطبان و منتقدان مواجه شد. از این رو در «جام‌جم» با او درباره این فیلم گفت‌وگویی داشتیم که در ادامه می‌خوانید.



از فیلمنامه ایده بیرو بگوید. این فیلمنامه چه ویژگی‌هایی داشت که شما پذیرفتید در آن بازی کنید؟

فیلمنامه‌ای که خواندم با فیلمی که امروز روی پرده سینماهاست بسیار تفاوت دارد. برای من فی‌نفسه روایت داستان زندگی علیرضا بیرانوند، دروازه‌بان تیم ملی فوتبال ایران از دوران کودکی تا ورود به فوتبال حرفه‌ای و عضویت در تیم ملی فوتبال ایران جذاب بود. این‌که پسرپچه‌ای جسور و حاضرچواب که عاشق فوتبال است از خرم‌آباد به تهران می‌آید و وارد تیم ملی می‌شود اساسا درام پرکششی است. روایت فیلم همان‌طور که دیدید دقیقا از زمان اوج این کاراکتر آغاز می‌شود. صحنه‌ای آشنا برای فوتبال‌دوستان ایرانی در بازی ایران با پرتغال در جام جهانی و اعلام پناhtی از سوی داور که نگرانی تلخی را به طرفداران فوتبال تزییق می‌کرد. اگر مسابقه را زنده تماشا کرده باشید حتما آن لحظه را به‌خاطر دارید.

در آن لحظه کمتر کسی فکرش را می‌کرد که برنده پنج توپ‌طلای جهان فوتبال نتواند پناhtی‌اش را به گل تبدیل کند. در فیلمنامه اما دقیقا از همان زمانی که همه منتظر دیدن افتخارآفرینی بیرانوند در مقابل رونالدو هستند، فیلم به دوران کودکی علیرضا بیرانوند کات می‌خورد. نوجوانی رشید در روستا که به مربی تیم محلی فوتبال آنجا برای حضور در تیم اصرار می‌کند. من در نقش مربی بیرانوند، کسی بودم که استعداد او را کشف و او را به ادامه این مسیر تشویق می‌کند.

ویژگی‌های این مربی فوتبال چه بوده که شما دوستش داشتید؟

امروز ما به‌عنوان مخاطب نیاز داریم زندگی قهرمانان ملی‌مان را ببینیم و دل‌مان برای‌شان بتپد. کسانی‌که در کودکی استعدادشان جدی گرفته نمی‌شود ولی امثال همین مربی به استعدادهای آنها جدی نگاه می‌کنند و دست‌شان را می‌گیرند. بازیگر، اولین مربی

بیرانوند در عصر من و شما زندگی کرده است و بدون بیاورد و استعدادش را در دروازه‌بانی کشف کرد. من برای بازی در این نقش بسیار زحمت کشیدم اما در نهایت روایت قصه تغییر کرد. از این جهت می‌گویم که در نقش مربی فوتبال گریم متفاوتی داشتم و باید به زبان لری صحبت می‌کردم.

اصولا پرداختن به نوع زیست، فکر و راه قهرمانان ورزشی برای مردم جذاب است. آیا درباره منطق روایی بیرو با کارگردان در حین انجام کار صحبت کردید؟

بله، خواست خود کارگردان هم فیلمی درجه یک بود اما به‌رحال تولید طولانی و افزایش هزینه‌ها در عین تغییر یک‌سری نظرات و حذف قصه کودکی بیرانوند به کلیت کار لطمه وارد کرد. ساخت آثاری که زندگی قهرمانان ملی کشورمان را به تصویر بکشد قطعاً جذابیت‌های زیادی برای مردم دارد و من هم به همین دلیل پذیرفتم که در این فیلم بازی کنم اما در نهایت آنچه باید می‌شد، نشد.

نمایش زندگی قهرمانان ملی کشور حداقل کاری

در میان جویای متعددی که کریشنا کسب کرده، می‌توان به جایزه یک عمر دستاورد سینمایی در سال ۲۰۰۹ از دولت هند برای قدردانی از یک عمر مشارکت در صنعت سینما اشاره کرد. او نیز همانند بسیاری از ستاره‌های هندی وارد دنیای سیاست و سال ۱۹۸۹ به عنوان عضو حزب کنگره وارد پارلمان هند شد و سال ۲۰۱۲ از حضور در سیاست، کناره‌گیری کرد./ایلنا

در گفت‌وگوی «جام‌جم» با رضا داوودنژاد، بازیگر فیلم «بیرو» مطرح شد

جای خالی ورزشکاران قهرمان در سینمای ایران



که برای آنها به قول معروف دست‌وپا گیر است، می‌شود. در دهه‌های اخیر بسیاری از ورزشکاران صاحب‌نام در آثار سینمایی بی‌کیفیت مقابل دوربین رفتند که همگی در گیشه شکست خوردند. به این دلیل که سینما و ورزش مشابه یکدیگر و عین‌به‌عین نیستند. تماشاگر فوتبالی که روی سکوی ورزشگاه برای کریم باقری، حمید استیلی، علی‌بروین، احمدرضا عابدزاده و... کف می‌زند با بازی همین ورزشکاران در یک فیلم سینمایی الزاما به سالن سینما نمی‌آید تا در آنجا هم برای‌شان هورا بکشد. در حقیقت زندگی یک ورزشکار بین‌المللی اگر در فیلمی بی‌کیفیت که فاقد هر جذابیت بصری و هنری است پیش روی مخاطب قرار بگیرد، در گیشه به موفقیت نمی‌رسد.

با وجود این به‌شدت معتقدم جای قهرمان‌پردازی در سینمای ایران خیلی خالی است. آثار نمایشی ما به قهرمان و قهرمان‌پروری نیاز دارد تا در بستر آن بتواند بر مسیر زندگی نوجوانان و جوانان تاثیرگذار باشد. منظور ما قهرمان، شخصیتی است که حادثه می‌آفریند، درگیر می‌شود، درام ایجاد می‌کند و امید به آینده را با زنده یا حتی مردنش به وجود می‌آورد. تاریخ ورزش ایران هم پر است از چهره‌هایی که می‌توان آنها را به تصویر کشید و از دل زندگی آنها درام‌های بیوگرافی جذابی تولید کرد. ساخت فیلم در ژانرهای متنوع از نیازهای سینمای ایران است. فیلم‌هایی‌که بتواند تمام مخاطبان سینمای ایران از طیف‌ها و سلاقی مختلف را پوشش دهند.

شما سال‌ها همکاری‌های مستمری در تلویزیون داشتید اما مدتی است که در این‌میدیم حضور ندارید. علت خاصی دارد؟

خیر، دلیل خاصی ندار. واقعتش فعلا در تلویزیون و سینما هیچ کار قبول نمی‌کنم با بهتر بگویم اصلا کاری نیست که قبول کنم.

است که یک رسانه می‌تواند برای شناساندن هرچه بهتر آنها به مردم انجام دهد اما در سینمای ایران عموما چون موضوع قهرمانی، ورزشی یا موضوعات اجتماعی و سیاسی در هم می‌آیزد خیلی مورد اقبال قرار نمی‌گیرد. این درحالی‌است که سینمای جهان هرساله بخش قابل‌توجهی از هزینه‌های خود را صرف ساخت آثاری با موضوع قهرمانان رشته‌های مختلف ورزشی می‌کند. به‌نظر شما چرا در سینمای ما فیلم‌های ورزشی در‌ساره قهرمانان رشته‌های مختلف ساخته نمی‌شود و چنانچه در فیلم‌های ایرانی بیشتر شاهد قهرمان‌های ملی باشیم در درازمدت چه تاثیری را بر جامعه می‌بینیم؟

سینما و ورزش در جامعه ما دو حوزه بسیار محبوب هستند و اگر بین آنها نسبت درست برقرار شود در جذب مخاطب موفق می‌شوند. ساخت فیلم‌های ورزشی و آشکار شدن مشکلات و سختی‌های ورزشکاران از یک سو باعث ایجاد تلنگری به برخی قوانین تثبیت‌شده



مرات‌های یادگیری گویش لُری

در این فیلم یک معلم و مشاور داشتیم. ضمن این‌که حسین بیرانوند (بازیگر نقش علیرضا بیرانوند در نوجوانی) که خودش لر است خیلی جاها کمک کرد تا این گویش را درست ادا کنم. کلا یادگیری لهجه و زبان کار مشکلی است و برای ما هم حدود ۳ – ۴ ماه زمان برد که به گفته مخاطبان خروجی‌اش دلنشین شده. جالب است این را هم بدانید که به دلیل تشابه چهره و فامیل علیرضا بیرانوند و حسین بیرانوند، خیلی‌ها فکر می‌کردند این دو نسبت خویشاوندی با هم دارند اما واقعیت این است که نسبتی با هم نداشتند. فقط بیرانوند در لرستان یک ایل بزرگ است که افراد آن خویشاوندی دوری با یکدیگر دارند.



پیگیری مشکلات سینماگران در ناآرامی‌های اخیر

چهل و هشتمین جلسه شورای معاونان و مدیران سازمان سینمایی با حضور محمد خزاعی صبح دیروز در محل سالن شهید آوینی سازمان سینمایی برگزار شد.

در این جلسه محمد خزاعی، معاون وزیر و رئیس سازمان سینمایی کشور با اشاره به مصوبه‌ای از این شورا از تشکیل کمیته ویژه‌ای برای رسیدگی و پیگیری مشکلات سینماگران در بی ناآرامی‌های اخیر خبرداد و گفت: ناآرامی‌های اخیر در کشور با حواشی و مشکلاتی برای تعدادی از فعالان سینما همراه بوده‌است که در کنار پیگیری و تشکیل جلسات متعدد با مراجع و دستگاه‌های ذی‌ربط در این زمینه، به منظور سرعت بخشی به روند رسیدگی به مشکلات همکاران، کمیته‌ای متشکل از نمایندگان سازمان سینمایی، قوه‌قضاییه و خانه سینما ایجاد شده و در حال پیگیری برای رفع آن مشکلات است.

او همچنین درباره مسکن سینماگران نیز اضافه کرد: بعد از تصویب این موضوع در اولین جلسه شورای عالی سینما همکاران بنده در سازمان سینمایی بررسی‌های گسترده‌ای را آغاز کردند که امیدواریم شرایط برای تحقق این امر مهیا شود./ایلنا



«اولین پرونده» به فجر می‌رسد؟

حسین شهابی، کارگردان سینما با اشاره به وجود برخی سختگیری‌ها در مسیر تولید فیلم‌هایی با موضوعات جنایی، از درخواست پروانه ساخت برای فیلم «اولین پرونده» به کارگردانی خود خبر



داد. حسین شهابی درباره تازه‌ترین پروژه‌های خود در سینما گفت: مدتی پیش پروانه نمایش فیلم سینمایی «رودورو» صادر شد و قرار بود آبان ماه در سینماهای کشور اکران شود که به دلیل شرایطی که در جامعه ایجاد شد، اکران این فیلم را به زمان دیگری موکول کرده‌ایم. او ادامه داد: همچنین درخواست پروانه ساخت برای پروژه‌ای با نام اولین پرونده ارائه کرده‌ام که امیدوارم هرچه سریع‌تر شرایط برای تولید آن فراهم شود. این پروژه سینمایی یک اثر حقوقی است که پیش از این با نام «شعبه ۱۲» به سازمان سینمایی ارائه شده‌بود. فکر می‌کنم اگر همه چیز درست پیش برود اولین پرونده اوایل آذرماه جلوی دوربین رفته و در صورت برنامه‌ریزی مناسب، فیلم برای حضور در چهل و یکمین جشنواره فیلم فجر آماده شود./مهر